\_ ٢٠٠ ای یاران رحمانی من در حالتیکه دریای امتحان پرموج گشته و موج بلایا باوج رسیده جنود امم در نهایت هجوم و اهل اعتساف بی‌نهایت بی‌انصاف جمعی از مفتریان با اخوی نامهربان التیام یافتند و کتابی از مفتریات نگاشتند و بسعایت و وشایت پرداختند فکر حکومت را مشوش کردند و اولیای امور را مضطرب نمودند دیگر معلومست حالت مسجون در این قلعه خراب چگونه و امور بچه درجه مشوش و پراضطرابست از وصف خارجست با وجود این باز آواره مسجون در نهایت استقرار و سکون و متوکل بر حضرت بیچون و آرزوی هر بلا و ابتلائی در سبیل محبت الله مینماید تیر جفا در عطاست و زهر قاتل شفای عاجلست ما در این حالت که مکتوبی از یاران امریک رسید و مضمون آن کل متعاهد بر اتحاد و اتفاق در جمیع شئون گشته و کل امضا نموده‌اند که در سبیل محبة الله جانفشانی نمایند تا حیات جاودانی یابند بمجرد مطالعه آن نامه و ملاحظه اسماء که در ذیل امضا نموده بودند چنان فرح و سروری از برای عبدالبهآء حاصل گشت که از وصف خارجست و شکر نمود خدا را که یارانی در آنسامان پیدا شده‌اند که در نهایت روح و ریحان با یکدیگر متحد و متفق و هم‌پیمانند و این میثاق هر قدر محکمتر گردد خوشتر و بهتر و شیرین‌تر شود و جاذب تأییدات الهیه گردد اگر یاران الهی آرزوی توفیق کنند تا رفیق ملأ اعلی یابند باید در توکید و تحکیم این میثاق بکوشند زیرا عهد و میثاق اخوت و اتحاد مانند آبیاری شجرهء حیاتست یعنی حیات ابدی

باری ای یاران الهی قدم ثابت نمائید و عهد محکم کنید و متحد و متفق در انتشار رائحه محبت الله بکوشید و ترویج تعالیم الهیه نمائید تا جسم مردهء این جهانرا جان بخشید و هر بیمار دو جهانرا شفای حقیقی مبذول دارید ای یاران الهی عالم مانند شخص انسانست مریض و ضعیف و ناتوان گشته دیده نابینا شده و گوش ناشنوا گشته قوای حسی بتمامه بتحلیل رفته یاران الهی باید طبیب حاذق گردند و بموجب تعالیم الهیه این بیمار را پرستار شوند و علاج کنند شاید انشاء الله صحت حاصل گردد و شفای ابدی یابد و قوائی که بتحلیل رفته تجدید شود و شخص عالم صحت و طراوت و لطافت چنان یابد که در نهایت صباحت و ملاحت جلوه نماید اول علاج هدایت خلقست تا توجه بحق یابند و استماع نصائح الهی کنند و بگوشی شنوا و بچشمی بینا مبعوث شوند چون این داروی سریع التأثیر استعمال شد پس باید بموجب تعالیم الهیه بر روش و اخلاق و اعمال ملأ اعلی دلالت نمود و بمواهب ملکوت ابهی تشویق و تحریص کرد قلوبرا بکلی از شائبه بغض و کره پاک و منزه نمود و براستی و آشتی و درستی و محبت بعالم انسانی پرداخت تا شرق و غرب مانند دو عاشق دست در آغوش نمایند و عداوت و بغضا از عالم انسانی بر خیزد و صلح عمومی تقرر یابد ای یاران الهی بجمیع امم و ملل مهربان باشید کل را دوست دارید و بقدر قوه در تطبیب قلوب بکوشید و در تسریر نفوس سعی بلیغ مبذول دارید هر چمنی را رشحات سحاب شوید و هر شجریرا آب حیات گردید هر مشامی را مشک معطر شوید و هر بیماریرا نسیم جانپرور گردید هر تشنه ئی را آب گوارا باشید و هر گمرهی را رهبر دانا شوید هر یتیمی را پدر و مادر مهربان گردید و هر پیریرا پسر و دختری در نهایت روح و ریحان گردید و هر فقیریرا گنج شایگان شوید محبت و الفت را جنت نعیم دانید و کدورت و عداوت را عذاب جحیم شمرید بجان بکوشید و بتن میاسائید و بدل تضرع و زاری کنید و عون و عنایت الهی جوئید تا این جهان را جنت ابهی کنید و این کره ارض را میدان ملکوت اعلی اگر همتی بنمائید یقین است که این انوار بتابد و این ابر رحمت ببارد و این نسیم جانپرور بوزد و رائحه این مشک اذفر منتشر گردد ای یاران الهی شما تقید بحوادث بقعه مبارکه نداشته باشید و ابدا تفکر مکنید آنچه واقع شود خیر است زیرا بلا عین عطاست و زحمت حقیقت رحمت و پریشانی جمعیت خاطر است و جانفشانی موهبت باهر آنچه واقع شود فضل حضرت یزدانیست شما بکار خود مشغول شوید و بهدایت خلق پردازید و نفوس را بخلق و خوی عبدالبهآء تربیت نمائید و بشارت ملکوت ابهی بخلق برسانید شب و روز آرام نگیرید و دقیقه ئی نیارمید بکمال همت این بشارت را بگوش عالمیان برسانید و در محبت الهی و تعلق بعبدالبهآء هر بلا و مصیبتی را قبول نمائید تحمل شماتت اعدا کنید و صبر بر ملامت اهل جفا پیروی عبدالبهآء نمائید و در هر دمی آرزوی جانفشانی در سبیل جمال ابهی کنید چون شمس بدرخشید و چون دریا بجوش و خروش آئید و مانند سحاب حیات بکوه و صحرا بخشید و بمثابه نسیم بهاری اشجار هیاکل انسانیرا شکفتکی و تازگی و طراوت و لطافت بخشید \*